

(۴۷) غياث الأولياء في النوسل خلدیث الكساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب یونس بن عبد الرحمان رضی الله عنه از اصحاب امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: تصحیح عقیده و توفیق التزام و اصلاح رفتار فرزند جوان با توسل بوسیله حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (س.ر) از دانشجویان حوزه معارف الهی واقعه خود را این چنین شرح می دهد:

حدود یکسال می شود که به مجالس معارف الهی راه یافته ام و با حدیث کساء و برکات آن در این جلسه نورانی آشنا شدم. در ابتدای هر جلسه حوزه این حدیث را تلاوت کرده و سپس مسؤول حوزه از برکات آن صحبت می نمود.

خودم نیز گرفتاریها و مشکلاتی داشتم که به برکت توسل به این کلام آسمانی رفع شد، از برکاتی که از این حدیث شریف دریافت نمودم؛ حل مشکلاتی سخت در مورد فرزندانم است که یک مورد آن چنین می باشد:

یک مشکل مهمی که در مورد پسر من داشتم این بود که: با اینکه پسر من نظر سن و سلامت جوان کاملی بود؛ ولی عقیده اش ضعیف بود و نماز نمی خواند، مطالب دینی هم که به او گفته می شد بی اعتنائی می کرد، مجالس دینی را قبول نداشت؛ بلکه جسارت نیز می کرد! به حدی که در خانه به ستوه آمده بودم، خیلی ناراحت بودم و به خاطر آن گریه می کردم.

می دیدم با اینکه هم در خانه ملتزم دستورات دینی هستم و هم به جلسات دینی می روم و التزام خودم را نسبت به اهل بیت علیهم السلام نشان می دهم؛ ولی در خانه خودم اینطور به دور از عقاید صحیح؛ فرزندم پرورش می یابد بلکه مخالفت هم با عقاید دینی می کند، و این برایم خیلی سخت بود، بلکه بزرگترین مشکل زندگی شده بود، و دائماً روی این موضوع عدم دینداری فرزندم غصه می خوردم. شوهرم هم انسان متدین و مؤذن مسجد؛ و مواظبت بر حلال و حرام می کرد، و ما در مورد این مشکل می گفتیم: ما که بر حلال و حرام و انجام مطالب دینی مواظبیم پس چرا پسرمان اینطور شده است؟ و هر دو یمان ناراحت بودیم.

توسلات مختلفی کرده بودم؛ هر چه ذکر و یا توسلات برای گرفتن حاجت بلد بودم و یا می شنیدم؛ و هر دعایی که می گفتند برای گرفتن حاجت خوب است؛ همه را انجام داده بودم، مثلاً انواع دعاها، توسل و ادعیه و توسلات دیگر، و به نیت این موضوع در مجالس توسل و روضه می رفتم ولی نتیجه نمی گرفتم.

بعد از آنکه در جلسه حوزه معارف الهی در مورد حدیث کساء و برکاتش و حاجت گرفتن از آن مطالبی شنیدم و با برکات آن آشنا شدم؛ نیت کردم که برای برآورده شدن این حاجت مهم و هدایت و اصلاح جوانم ۴۰ شب آن را تلاوت کنم.

ختم را شروع کردم و ۴۰ شب آن را خواندم؛ بعد از ۴۰ شب مانند اینکه معجزه ای شد و بدون هیچ بحث و حرفی دیدیم که یکباره پسرمان حال

و رفتارش عوض شد! بدون هیچ پیگیری خودش مرتب شروع کرد به نماز خواندن! آن هم بطوری که اولین نفر در منزل بود که اول وقت برای نماز حاضر می شد! عقایدش هم اصلاح شد و دیگر از آن بی اعتقادی بیرون آمده؛ بلکه به حدی عقیده اش نسبت به حضرات اهل بیت علیهم السلام محکم و خوب شده و ایمان آورده است که تا اسم حضرات اهل بیت علیهم السلام می آید؛ رفتارش عوض می شود، و با احترام رفتار می کند، و دیگران را نیز به سوی اهل بیت علیهم السلام دعوت می کند. به مجالس دینی نیز علاقمند شده و مرتباً شرکت می کند و دیگران را هم به مجالس دینی می آورد، با این نتیجه اعجاز آمیز ناراحتیهایم برطرف شد؛ و فرزندم به برکت این حدیث آسمانی نجات یافت. مولایم را به خاطر راهیابی به این مجالس نورانی و درک این برکات شکر می کنم.

والحمد لله رب العالمین